

تحولات ارگانهای دمکراتیک در آستانه‌ی قیام ۵۷

(در شهرهای: مریوان، سنندج، سقز، بوکان، روستاهای تحت کنترل
نیروی پیشمرگ در شرق کردستان و اردوگاه های جنوب کردستان)
Reshad Mustafa - Soltani رشاد - مصطفی سلطانی



سوید - ژانویه ۲۰۲۲ میلادی (دیماه ۱۴۰۰ خورشیدی)

کومهله بر خلاف جریان آب شنا کرد و ، در شمار بحر پیمانانی بود که
! پرده‌های تاریکی را پس داد و همراه سحر همسفر شد



ارگان گروه ترجمه‌ی کردی "کومه‌ئه" کتابهای کلاس اول و دوم ابتدائی را آماده کرد و در کشور آلمان به شیوه‌ی رنگی چاپ گردید .
 یادگیری زبان مادری ، هرگز جرم نبوده و نیست و ، قبل از اینکه حقوقی سیاسی ، کلتوری و شهروندی باشد ، حقوقی روا و انسانی هر ملتی است .
 اما از دیدگاه و مواضع اشغالگران کوردستان " جرم " بزرگی ارزیابی و محسوب میگردد .

Reshad Mustafa-Sltani

بخش اول :

بسیاری از معلمان انقلابی که نامشان اینجا آمده و یا اسامیشان متاسفانه از یادم رفته ، در راه آرمان های والای بشریت ، دمکراسی ، تفتیش عقاید و آزادی خلق ستمدیده کرد و در سنگرهای گسترده‌ی جنبش انقلابی کردستان و زندان ها جان باخته‌اند . این افراد در نوشتن تاریخ پر افتخار ملت کرد و هدایت جامعه‌ی کردستان بسوی نوعی از رنسانس سهیم شایسته‌ای داشته‌اند . یاد عزیزشان بخیر و گرمی باد . اگر نام گرمی سایر معلمان و یا انقلابیون دیگری که معلم نبوده‌اند و همچنین بر اثر گذشت زمان و رویدادهای پرنوسان تاریخی نامشان از یاد رفته و نیامده و در آرشیو مغزم آنها را نیافته‌ام ، باتواضع فراوان معذرت و . پوزش میطلبم . در غنابخشیدن این مقاله صمیمانه تلاش کرده‌ام اما ساختار و تحولات ارگان های دمکرایک ، در شهرهای کردستان و . آسیمیله‌شدن آنها در احزاب سیاسی، امری عادی و روتین بود

! بستر و زمینه‌های تحول در کردستان

ریفورم ارضی شاه در دهه‌ی ۱۳۴۱ شمسی دگرگونیهای را بارمعان آورده بود که سیمای دیگری به طبقات و طیف های اجتماعی جامعه ایران داده بود . ریفورم ارضی، جامعه‌ی ایران را بگونه‌ای روی ریل نوآوری ، بدعت و دگرگونی گذاشته بود، که با دنیای تاجر و کلاسیک خدا حافظی کرده و دوران ایستا ، مراحل زوال را بسرعت پیمود و دوران پویا و تحولات بدیلش گردید . در این راستا دوران تحول و روند دگرگونی در کردستان بشیوه‌ای سرسام آور خود را نشان داد . جمعیت عظیمی از روستا ها ناچار به کوچ ناخواسته شدند و، اگرچه بکلی نتوانستند پیوند های عاطفی، اقتصادی و اجتماعی خویش را با روستا قطع کنند ، اما در حاشیه شهرهای کردستان بسان قارچ روئیدند و بیغوله ها و حلبی آباد ها را بنیان نهادند . این جمعیت در اساس دهقانان خوش نشین و یا کارگران روستائی بودند ، که بلا واسطه ترکیب خرده بورژوازی شهر ها

را دگرگون ساخته و تقویت کردند . نمونه‌ی برجسته‌ی این پدیده را میشد در سنندج ، سقز، مریوان ، بوکان و حتی در کامیاران و دیواندره بوضوح دید . که محلات متنوع و مختلفی را در اطراف این شهرها پدید آوردند . با این وصف تنش‌ها و خواستگاه‌های این لایه از جامعه در خود متریکی و بالنده بود . در حقیقت شریان خون شهرها در این محلات با بافت روستائی و نسبتاً خرده بورژوازی جاری بود و، قلب شهرها در این کانون‌های فقیرنشین می‌طپید . خرده بورژوازی با سیمای نورس و سیال خویش در برابر ستم‌ها و بی‌عدالتی‌ها عرض اندام کرد . از دیدگاه علمی و ماتریالیستی نمیتوان مرزهای علوم ریاضی را بین کارگران شهری و خرده‌بورژوازی روستائی - شهری که ترکیبی موزائیک داشت ترسیم کرد . لذا این دو پدیده مکمل یکدیگر بوده و در تحولات اجتماعی جامعه‌ی کردستان نقش والا و تعیین‌کننده‌ای داشتند .

جامعه‌ی کردستان، با میلیتاریزم ، عقب ماندگی تحمیلی و مطلق ، فقدان کارخانجات صنعتی و کشاورزی مدرن ، ستم ملی و اشغال نظامی روبرو بود . این فضا و اتمسفر سرعت دیگری بمبارزات و خواست‌های طبقاتی در کردستان داده بود . در بطن چنین بافتی از جامعه خواست‌ها و تمایلات سیاسی گوناگون و گرایش‌های حزب و سازمان‌پذیری و تنفر از مقوله‌های کلاسیک و تاجر حزبی، کاملاً ملموس و خود را آشکارا نشان داد . نوآوری و تشکل‌های دمکراتیک و انقلابی به خواست و آرزویی عمومی مبدل شده بود . روند جریان‌های سیاسی در کردستان آتشی زیر خاکستر بود و، در دوران قیام ۵۷ اگر چه خلق کرد کمی دیرتر بمیدان آمد ، اما هنوز در " تنها سنگر باز مانده از قیام " سرفراز در نبرد با فاشیسم اسلامی میرزمد . ستم ملی ، دیکتاتوری و حکومت توتالیتار شاهنشاهی و پوتین‌های نیروهای حافظ نظام سلطنتی بر پیکر آحاد مردم و همه‌ی شهروندان کردستان سنگینی میکرد . این فشار ، ناعدالتی و سرکوب روزمره در دوران قیام محرک و مشوق سازنده‌ای برای شرکت آحاد مردم در سقوط نظام شاهنشاهی بود . تظاهرات و راه‌پیمائی و اعتصابات در پهنه‌ی کردستان بعد تاریخی یافت و در اوج عظمت بود . در خیابان‌های سنندج برای شرکت در تظاهرات و استقبال از زندانیان سیاسی ،

فضائی نبود و جمعیت خروشان ، مانند سیلاب بهاری راه افتاده بود . و همه‌ی خس و خاشاک را باخود به زباله‌دان تاریخ برد. در کدام شهر ایران دیده شده ، برای استقبال از زندانیان سیاسی از مرکز شهر تا فرودگاه ، مصمم و رزمنده و بدون واژه از تیراندازی دشمنان آزادی وساواک ، از زندانیان سیاسی این چنین باشکوه و عظمت استقبال گردد .
خاطرات استقبال از زندانیان سیاسی : طیفور بطحائی ، شعیب زکریائی ، یوسف اردلان و زندانیان سیاسی شهرهای دیگر کردستان که از سنج عبور میکردند ، هنوز در خاطرات مردم و در روی پرده‌ی مغز ، جولان کرده و بیادگار مانده‌است

قیام به ثمر رسید . کاخ نیاوران سقوط کرد و کاخ جماران برپا گردید . همه‌ی مظاهر تمدن بشری ، مسخره گردید و ریش و عبا و اسلام سیاسی صاحب جایگاهی گردید که تصویری بر آن ممکن نیست . دانشگاه ها را به مساجد تبدیل کردند . کتابخانه‌ها را سوزاندند . زنان را چهار میخه کشیدند . خرید پارچه‌های سیاه تر از دل آخوندها ، در بازار ایران کمیاب شد . زندان ها و قبرستان ها بشیوه‌ای باور نکردنی، توسعه و گسترش یافتند که، افکار عمومی جهان را مات و متحیر نمود . پهنه‌ی کردستان را به زندانی بی سقف تبدیل کردند و با دیوارهای گوشتی سپاه پاسداران محاصره و حفاظت گردید . نیروهای نظامی یک شبه اسلامی شدند .
خمینی که گفت : اقتصاد مال خراست ، در حقیقت اقتصاد را مربوط به چهار پایان و الاغ میدانست و، با غضب و خشم مذهبی ، دستور یورش و حمله را بر علیه مردم کردستان صادر نمود . خمینی فرمان جهاد را صادر نمود و همچنین بنی صدر به نیروی های نظامی امر کرد که نیروهای سرکوبگر، پوتیها را از پاهایشان بیرون نیاورند تا مردم کردستان را قلع و قمع و آزادیخواهان را کشتار نموده و کردستان را که سنگر آزادی و ..دمکراسی بود به ویرانه‌ای تبدیل نمایند

همسوئی جریان مکتب قران با قدرت حاکم سال ۱۳۵۷
قیام را توده‌های مردم ایران به ثمر رساندند . خمینی و دار و دسته‌اش ، با ساخت و پاخت دول قدرتمند غرب و عوض کردن مهرها، بدین معنی

شاه را سقوط دادند و زمینه‌ها و بستر واگذاری هژمونی و قدرت سیاسی ایران را به خمینی مهیا نمودند . تار و پود مذهبی و عقب مانده و پوسیده بر فضای سیاسی ایران خرامان خرامان و بطور خزنده غالب گردید . در کردستان جریانی بنام مکتب قرآن بوسیله آقای احمد مفتی زاده عرض اندام کرد . مکتب قرآن تفکرات و دیدگاه های اسلامی و از تراوشات فکری وهابی و سلفی تغذیه میکرد و جریانی فوندمانتال بود . این جریان توانسته بود طیفی از افراد خوش باور ، ساده لوح و بی بضاعت از نظر سیاسی را دور خود جمع کند . مکتب قرآن در همکاری مستقیم با جمهوری اسلامی و مخالفت با خواسته های ملی -دمکراتیک خلق کرد فعال و کوشا بود . در برابر خواسته های عادلانه و مترقی و مدرن شهروندان کردستان ، به فاز مخالفت و توطئه گری رسید . در پروسه مبارزات ملی _ دمکراتیک کردستان بر علیه جمهوری اسلامی ، مکتب قرآن رسماً از جمهوری اسلامی دفاع نمود و ، بهمین علت ، بیزاری وسیعی نصیبش گردید . روند همکاری و مواضعشان سلانه سلانه در مخالفت با خلق کرد و دفاع رسمی از کاج جماران برنامه ریزی و بصورت کنکرت در آمد و تبلور یافت . بیزاری مردم به اوج خود رسید . تحمل این جریان مذهبی که از قوانینی دفاع میکرد که با گلوبالیزم ، تاریخ و مدرنیسم و خواسته های عادلانه ی خلق کرد همخوانی و انطباق نداشت ، برای آزادیخواهان کردستان نیز امکان پذیر نبود . شهروندان سنندج کج دار و مریز این جریان را تا مرحله ای که صفوفشان از صفوف خلق کرد جدا نشده بود ، باری بهر جهت تحمل کردند و، سپس توان و صبوری مردم بپایان رسید . سرانجام با خشم مردم روبرو شدند و مقر و کمیته ی نظامی آنها مورد یورش و حمله قرار گرفت و، کنترل چنین اتمسفری ناممکن و مفرهایشان به آتش کشیده شد . شیرازه و محتوای سخنان آقای مفتی زاده نوعی حکومت " تیئوکراسی " بود ، که در ارزیابی های خوش باورانه و غیره منطقی خویش تلقی و ترجمه ای معکوس و عقب مانده از خواسته های انقلابی و عدالتخواهانه ی مردم کردستان داشت . ایشان در رویاها و پروازهای فکریش، خود را خمینی سنی ها فرض کرده بود . خمینی بر اساس و تکیه بر " توضیح المسائل " شیوه ای از حکومت

اسلامی و ولایت فقیه را ترسیم و در ایران پیاده کرده بود . آقای مفتی زاده با تکیه بر وهابی گری ، میخواست در دنیای گلوبال و انقلاب سرسام آور تکنولوژی ، در کردستان شیوه‌ای از حکومت توتالیتر دینی را پیاده کنند . در این راستا مکتب قرآن تدارک حمله‌ای به آزادیخواهان و انقلابیون شهر سنندج را سازمان داد . این یورش و حمله با صلوات و ذکر و دایره زنی و پرچم های سبز شروع گردید و تا میدان اقبال پیشروی کرد . همزمان سازمان چریک های فدائی خلق ایران شاخه‌ی کردستان در اعلامیه‌ای صراحتاً نوشته بود که حمله به مقرشان را با رگبار گلوله و کلاشینکوف و تیربار جواب میدهند . همین مواضع انقلابی و اولتیماتوم مسئول چریک ها، زنده یاد " بهروز سلیمانی " آنها را ترساند و دیگر شهادت پیشروی و حمله به جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب و سازمان چریک ها که مقرهایشان نزدیک بهم بود نداشتند . ماجراجویی و توطئه‌گری آنها در میدان اقبال بپایان رسید . سرانجام در روند تاریخ جنبش انقلابی کردستان، پروژه‌ی مکتب قرآن بشیوه‌ای باور نکردنی و با سرعت زیادی بسرآشویی سقوط افتاد و شکست خورد



اعضای کمیسیون آموزش و پرورش کومه‌له و دختران و زنان انقلابی جنبش صلح طلبانه‌ی کردستان در عکس دیده میشوند . پیشمرگان داوطلب ، در دوره‌ی آموزشی روستای ئاجیکه‌ند در حومه‌ی بوکان شرکت کرده‌اند تا برای تدریس در مدارس روستاها بعنوان پیشمرگ معلم انجام وظیفه نمایند . زنان و دختران انقلابی و سایر پیشمرگانی که در عکس دیده میشوند تا آنجائیکه آرشیو مغزم کمک مینماید و شناخته‌ام . ردیف نشسته از سمت راست ۱- شهلا ایل بیگی اصلی با کودکش

(شیرین) ۲- شهین شهلائی ۳- فایزه نیک دین - آقای حسین از استان خراسان ۵- ناصر حسامی ۶- ۷- ۸- عمرچابک ۹- رحیم طلوعی فر ۱۰- آمین کریمی . ردیف ایستاده از سمت راست ۱- ۲- گه‌لاویژ محمودزاده ۳- عطیفه مازوجی ۴- نادری ۵- مهین دارائی ۶- فتانه مهدوی ۷- ۸- ۹- ۱۰- ۱۱- هشیار ۱۲- خاور ۱۳- ۱۴- ردیف آخر و ایستاده از سمت راست ۱- رشاد مصطفی سلطانی . ۲- انور شیرزاد ۳- ۴- ۵- آقای جمعی محمود زاده

کانون صنفی معلمان مبارز سنندج !

سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷

اتمسفر سیاسی و فضای دمکراتیک که مانند روزنه‌ی امیدی ، در شهر های کردستان گسترده شده بود ، گرایش و میل به تحزب در ارگان های صنفی سیر پویا و بالنده‌ای داشت . مردم برای دفاع از دمکراسی و آگاه کردن توده‌های رنجبر به منافع خویش ، سمت و سویی وافر به تشکلهای دمکراتیک و از جمله اتحادیه‌ها و کانون ها داشتند . این تشکلهای اساسا از منافع صنفی دفاع میکرد . معلمان کردستان یکی از وسیع ترین و حیاتی ترین جبهه های نبرد را با ارتجاع مذهبی و حکومت فاشیزم اسلامی در سنگر مدارس پیش بردند . میتوان ادعا داشت که معلمان در سطوح دبستان ، راهنمائی و دبیرستان در بسیج توده‌های بی پروا و سیال دانش آموزان در عرصه‌های دمکراتیک نقش گرانبها و تاریخی داشتند . معلمان گرایش های مختلف سیاسی داشته ، اما در سطح بالایی در تشکل های صنفی و دمکراتیک و اتحادیه‌ها همکاری و فعالیت داشتند . دگر اندیشان مورد احترام همگی بودند . معلمان انقلابی مصمم بودند که به نگاه های معصومانه ی کودکان و جوانان پاسخی منطقی بدهند . چهره‌های فعال و کوشا و محبوب ان دوره که در کانون صنفی بطور پیگیرانه در تلاش و فعالیت بودند ، و تعدادی از آنها در راه آزادی و دمکراسی جان باخته و ، تا انجائیکه در آرشیو مغزم بیاد می آورم عبارتند از :

جمیل سجادی ، مدرسی ، جمال نبوی ، عطا خلقی، مظفر محمدی ، رشاد مصطفی سلطانی ، گلرخ قبادی ، عطا خواری نسب ، علی خلیقی ، فریده‌ی قریشی ، سید ایوب نبوی ، وفا نصرت پور، وفا سهامی، فوزیه نصرت پور ، عطیه معمار پور، شهین حیدری ، حمید فرشچی ، شمس الدین امانتی ، منصور رهسپار ، عباس حجت جلالی ، رشید شکررزاقی، هوشنگ

ختمی ، خلیل یوسف زمانی ، احمد بابا حاجیان ، عباس حجت خلالی ، صالح کیفی و دهها معلم شریف و آزاده ی دیگر که اسامیشان اکنون بیاد نمی آیند ، شرکت داشتند . اساسنامه ی کانون با شرکت جمعی از معلمان نامبرد تدوین و برشته ی تحریر در آمد و در مقیاس وسیعی در کردستان پخش گردید . کانون صنفی معلمان سنندج بصورت ارگانی معتبر و صاحب اتوریته ی اجتماعی و سیاسی جا افتاده بود و بهمین علت کانون و اتحادیه های معلمان در شهرهای کرمانشاه ، مریوان و سقز با این کانون صنفی ارتباط تنگاتنگ ارگانیک و مستمر داشتند

! جلوه های جاویدان کانون صنفی معلمان سنندج

ارتباط های کانون با تشکل های سیاسی سنندج و خصوصاً با جمعیت * دفاع از آزادی و انقلاب ، برهبری قاضی دادگستری آقای صدیق کمانگر و سازمان چریک های فدائی خلق شاخه ی کردستان برهبری آقای بهروز سلیمانی ، وحدت کمونیستی ، سازمان پیکار ، اتحادیه کمونیست ها و سازمان رزمندگان و تشکل های چپ تنگاتنگ بود . کانون آز آقای دکتر امیر حسن پور دعوت نمود تا زبان کردی را تدریس نمایند و کلاس های زبان کردی در این رهگذر پا گرفت و رونق شایانی داشت

کانون نمایشگاهی در دبیرستان دخترانه و پسرانه ی شاهپور باز کرد و * در آن نقاشان ، خطاطان ، عکاسان و مجسمه سازان بدعت ها و نوآوری های هنری خویش را عرصه کرده و کتاب های شاعران از جمله قانع ، هیمن و آثار مارکسیستی (کتاب های جلد سفید) بنمایش گذاشتند که مورد استقبال بی نظیر شهروندان کردستان قرار گرفت . در آستانه ی نوروز ۵۸ سیمای تابناک خوزستان و چهره ی محبوب زندانیان سیاسی ایران آقای شکرالله پاک نژاد با اعضا کانون دیدار و نشست داشت . آقای پاک نژاد با دفاعیاتش در زندان و بیدادگاه ساواک ، در سطح جنبش سیاسی چپ ایران شناخته شده بود و مورد احترام توده های وسیع ایرانی و جهانی بود . آقای پاک نژاد از تلاش های دمکراتیک و صنفی کانون بی نهایت راضی و خشنود بودند . همچنین دیداری با کادرهای جمعیت دفاع

از آزادی و انقلاب داشت و در مدتی که در سنندج بودند با نهایت احترام
از ایشان استقبال گرم و صمیمانه‌ای گردید

شورای معلمان سقز:

در ابان ماه سال ۱۳۵۷ شورای معلمان سقز، که هنوز شاه سقوط نکرده*
و فاشیسم اسلامی هرژمونی سیاسی ایران را نقاپیده بود، به سنندج
تشریف آوردند و در خانه‌ی معلمان از آنها استقبال گرمی بعمل آمد.
هیئت شورای معلمان شهر سقز هفت نفر بودند که اسامیشان بدین گونه
بود: محمود کیوان، مفیده مظهر، پرویز شافعی، فاروق کیخسروی،
حبیب الله بلوری، عزیز رضائی، فایق دباغی و عطا پناهنده (اهل
سنندج و در سقز معلم بود). این شورا در گردهمائی وسیعی با شرکت
نزدیک به پانصد ۵۰۰ معلم در دبیرستان خدمات شهر سقزو در پروسه‌ی
رای گیری مخفی و دمکراتیک بعنوان شورای معلمان شهر سقز برگزیده و
انتخاب شدند. دیدار این شورا از شهر سنندج بمنظور اظهار همدردی و
بیان درد مشترک با مردم سنندج بود، که چند انسان مبارز و انقلابی
بدست نیروهای شاهنشاهی در سنندج شهید گردیده بودند. آژیتاتور
وسخنگو و سخنران شورای معلمان سقز آقای محمود کیوان بودند. آقای
محمود کیوان در کانون معلمان سنندج در باره‌ی تحولات سریع کردستان،
زندانیان سیاسی در زندان های رژیم شاه، شرکت در تظاهرات ها و
رادیکالیزه کردن شعار ها، برخورد با روحانیت مرتجع ایران که در
کمین قاپیدن هرژمونی سیاسی بودند، نقد ارزشمندی ایراد و بیان نمودند.
خصوصاً در مورد سخنان شریعتمداری که مستقیماً به زنان بی حرمتی و
توهین کرده بودو، گفته بود توانائی های عقلی مردان بر زنان برتری
دارد، مواضع انسانی و دمکراتیک هیئت را تکرار نمود و گفته‌های
شریعتمداری را نقد نمود. و به زنان سنندجی حاضر در جلسه هشدار داد
که در برابر مواضع خصمانه و عقب مانده‌ی مذهبی تسلیم نگردند. سپس
جریان مکتب قرآن را نیز مورد ارزیابی قرار داد. در این جلسه و
سخنرانی فضای سیاسی و اجتماعی و انقلابی کردستان را با بیانی شیوا
و سنجیده بررسی و توضیح دادند. در حین سخنرانی آقای عبدالله مفتی
زاده شدیدآ به آقای کیوان اعتراض کردند و جلسه و سخنرانی را با

مشکلاتی روبرو ساخت . اما فضای غالب در جلسه در اختیار نیروی رادیکال و سکولار و مترقی بود، که مانع برخوردهای تند و تنش های ناخواسته گردید . و حاضرین از آقای محمود کیوان خواستند که به سخنرانیش ادامه دهد و، ایشان هم کماکان به ارزیابی ها دقیق و منطقی ادامه دادند . در پایان سخنران یکی از اعضای کانون معلمان سنندج ، بنماینده‌گی از طرف عموم شرکت کنندگان در جلسه از هیئت سقز . سپاسگذاری کردند .

شورای معلمان کرمانشاه

دیدار شورای معلمان کرمانشاه، از کانون صنفی معلمان سنندج : *

آقایان گرجی بیانی ، غلام علی گرگین ، بهمن عزتی و آقای علی اشرف درویشیان به نمایندگی از طرف شورای معلمان کرمانشاه به سنندج تشریف آوردند و، دیداری دوستانه با اعضای کانون معلمان سنندج داشتند . آنها از تجارب و دستاوردهای فرهنگی کانون معلمان سنندج خیلی خوشنود و راضی بودند و مرتباً یادداشت بر میداشتند . در همان حال از فضای رادیکال شهر ، همزیستی احزاب ، فعالیت سازمان های سیاسی مختلف و مردم عادی شهر با کامیرا عکس هائی گرفتند . در سنندج از شورای معلمان کرمانشاه بگرمی استقبال و مهمان نوازی گردید .



اتحادیه زنان در مریوان ، ارگانی دمکراتیک و دیدگاه های متفاوت سیاسی انقلابیون را سازمان داده بود . و جایگاه تاریخی و پایگاه اجتماعی وزین و ارزشمندی در مبارزات صلح طلبانه‌ی شهروندان کردستان داشت

اتحادیه زنان مریوان

تاریخ آینه و حکایت خوان ، فاز سیاسی یک شهر ، دهکده و ملتی است . این عکس فضای محدودی را به چشم منتقل می نماید ، اما فاز تاریخی حساس و جاویدان و سرفرازی را در بطن خویش دارد . مکان شهر مریوان است . کلبه‌ی محقر و پر افتخار اتحادیه زنان ، زمان سال 1357 خورشیدی و شهر بوسیله پارتیزان های تاریخ ساز "کومه‌له " حاکمیت میشود . در این مکان زنان و دختران انقلابی و فوق العاده با جسارت کومه‌له ، در جوار مردم انقلابی مریوان و پیشمرگانش در ارتقا آگاهی سیاسی زنان چه در سطح روستا و چه در سطح شهر مریوان نستوه و با ایمان در تلاش بودند . زنانی که در کردستان برای اولین بار چنین

اتحادیه‌ای را سازمان دادند . در جنوب و در شمال و غرب کردستان ،تاریخ چنین اتحادیه‌ای راثبت نکرده‌است . بعد تاریخی و پرواز اندیشه‌ها و عمل کرد این اتحادیه دریاها، اقیانوسها و قاره‌ها را پیمود . ماسمیدیای جهانی از جمله بی بی سی و رادیو فرانسه برنامه‌هایی در وصف این اتحادیه پخش کردند . وزن سیاسی اتحادیه مرهون زحمات رهبران کۆمهله در مریوان و تلاش های صمیمانه و بیدریغ این افراد بود : فاطمه محمدی، چنور خوشنواز (عکس بنده ، حسین مصطفی سلطانی ، لاله همه‌ی دارسیران و چنور خوشنواز که مسلح بوده و خود را باشاخه‌ها وبرگ درختان استتار کرده‌بودیم ، در پشت مجله‌ای بزبان خارجی چاپ گردیده بود. در صفحه‌ی اول مجله عکس های جناب ماموستا شیخ عزالدین حسینی و کاک فوآد وجود داشت . این مجله در مریوان و سنندج پخش گردید. آیا این سند تاریخی آرشیو شده و به جنبش صلح طلبانه‌ی کردستان تقدیم میگردد ؟) ملکه مصطفی سلطانی، ناهید محمدی، سعدیه نسیمی ، شمسلی سلیمانی ، طلعت خالدی، مهری گداز گر، معصوم خالدی، آمینه روشن توده ، شرافت قاسم نژاد (پیشگام) چیمن دارابی ، دليلة رستمی (فعال کانون دانش آموزان) بهجت خالدی ، فراست قاسم نژاد، ج - رستمی (پیشگام) داده نجیبه و نون قاف .



جمعی از زنان و دختران انقلابی که در اتحادیه زنان مریوان ، حضور داشتند ، نشسته از راست: ۱- ناهید محمدی(بهمنی) ۲-معصوم خالدی ۳- ملکه مصطفی سلطانی ۴- نسرين زکریائی ایستاده از راست " ۱- سویبه بابا حاجیان ۲-طلعت خالدی ۳- داده نجیبه ۴- پروین نودینیان ۵- منیره محبوبی . اوایل سال ۱۳۵۸ شمسی، سنندج

کانون معلمان شهر مریوان ۱۳۸۸ ، ۱۳۵۷

فضای سیاسی و اتمسفر مبارزت مردم مریوان ، در فاز بالائی بود که نمونه‌ی آنرا در شهرهای دیگر کردستان کمتر میتوان مشاهده کرد . در این شهر بافت اجتماعی و نقس اقشار و طبقات ، ردایکال تر و روندی سریع و پویا داشت . طبعاً هرگز نمیتوان فعالیت و مبارزات سنتی زحمتکشان دارسیران و افراد سیاسی و پیشرو را نادیده گرفت . ژئوپولیتیک شهر و موقعیت جغرافیائی مریوان که در نزدیکی مرزهای مصنوعی و ساختگی واقع شده بود و ، پادگان بزرگ و مصرف کننده " موسک " که در نزدیک شهر اسکان یافته بودو ، گاه و بیگاه زهر و پوتین هایشان بر قامت شهر سنگینی میکرد و ،همه‌ی فعالیت های جاسوسی ایران بر علیه جنبش عظیم جنوب کردستان از این پادگان برنامه‌ریزی و تدارک و سازماندهی میگردد . سطح میلیتاریزم و حضور نیروهای سرکوب رژیم شاهنشاهی بعیان مشهود بود و ، پدیده‌ی دیکتاتوری را در فاز مطلق قرار داده بود .پیشروان و روشنفکران مریوان از این همه ستم و سانسور و دیکتاتوری و بیعدالتی بستوه آمده بودند . بهمین علت فعالیت سیاسی بطور مخفی وپنهانی و تحزب در هسته‌های کوچک و کارتشکیلاتی رونق چشم گیری داشت .این فنومن زمانی به اوج خویش رسید که عده‌ای تحصیل کرده و فارغ التحصیل دانشگاهی ایران، بعنوان افسر وظیفه و برای تدریس در مدارس مریوان حضور یافتند . جوانانی بی پروا و قاطع ، که آموزش و پرورش مریوان را حقیقتاً متحول نمودند . کانون معلمان مریوان ارگانی صنفی ودر ارتباط با سازمان های سیاسی دیگر، پیوندی مستمر و همیشگی داشت .کانون در وهله‌ی اول در مورد مکتب قرآن و معلمان ساواکی و آلوده که اکثراً زیر چتر مکتب قرآن خزیده بودند، افشاگری وسیعی نمود و، دخالت آنها را بسیار محدود و با انزوا روبرو ساخت . در جوار بالا بردن آگاهی سیاسی معلمان در سطوح شهر و روستا و دعوت قشر آموزگاران به تشکل ، قاطعانه با توطئه‌گری ها و همکاری " قیاده موقت " * با مکتب قرآن و پادگان و ارتش تازه اسلام شده برخورد

کرد و در زمینه‌ای وسیع افشاگری نمود . این تشکل توانسته بود جوسیاسی شهر را وسیعاً دگرگون سازد . معلمانی که در کانون و در سطوح مختلف فعال بودند و متاسفانه تعداد زیادی از آنها در راه آزادی و دمکراسی و خدمت به مردم کردستان جان باختند و مابقی در قید حیات بوده و زندگی شرافتمندانه‌ای را در گوشه و کنار دنیا دارا هستند .

در مجموع اسامی همگی آنها عبارتند از: حسین ، امین ، ملکه، عبدالله، ناصر و احمد (مصطفی سلطانی)، احمد مجلسی، عطا و ناصر (رستمی)، حسین پیر خضرانیان ، علی ناصر آبادی، رؤف و عبدالله و علی (کهنه پوشی - که با نامهای دیگری مانند عبدالله شیخ عزیز و علی فایق که سخنگوی کانون بود نیز نامیده میشدند)، محمد مراد امینی ، ناهید محمدی (بهمنی)، عبدالله دارابی ، فراست ، غلام و شرافت (قاسم نژاد)، جلال و سعدیه (نسیمی)، عبدالله و اسد و نصرالله (نودینیان)، مهری و همایون (گدازگر)، مرضیه فریقی ، فاتح و موسی (شیخ الاسلامی) ، فرج و محمد امین (شهابی) مجید حسینی ، صالح سرداری ، احمد امیری ، محمود سلیمانی ، انور پویا ، ستاره غزلی ، غفار غلام نژاد، منصور و شهلا (قشقائی) ، شمی حکیمی ، رؤف روحانی ، حسن شعبانی ، رضا حجت جلالی . اسامی معلمان سازمان چریک های فدائی : علیرضا کریمی، تیمور مصطفی سلطانی ، رضا ناصری ، غلام زنگنه ، و تیمور ناصری .

معلمان انقلابی جامعهی کردستان را، بسوی سکولاریزم هدایت میکردند ، که هدیه‌ای گرانبها بود و خدمت بی پایانی به روح دمکراسی و آزادی بیان کرده است. زمانیکه بنیاد گرایان اسلامی هژمونی سیاسی را قاپیدند ، کلتور و فرهنگ سکولاریزم در حرکتی اهسته و کند و پاورچین پاورچین کمرنگ شد و بسوی ساحل استبداد خیز بر اشت . در این رهگذر خرافات ، تحجر مذهبی و فناتیسم شکوفا شدند و هم اکنون فاشیسم اسلامی حرکتی بالنده بانها داده است . کانون دانش آموزان و دانشجویان مریوان نشریه‌ای بنام 'رزگاری ' در هشت ورق بزرگ منتشر میکرد ، که رویدادهای ایران و کردستان را بطور علمی و بشیوه‌ای تحلیلی و کونکریت تشریح و انتشار می یافت . در اولین شماره عنوان "

تجربه‌ی جمهوری کردستان " مقاله ای وزین و غنی و تاریخی بود که کاک فواد مصطفی سلطانی شخصاً آنرا نوشته بود و در آن مقاله نقاط ضعف و نقاط قوت جمهوری کردستان ، اوضاع سیاسی و آزادی های دوران جمهوری و تدریس زبان کردی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته بود . در شماره دوم این ارگان در باره‌ی کارگران سیال و مهاجر کردستان که بدنبال کار و امرار معاش آواره‌ی بنادر جنوب ایران ، اطراف تهران و مزارع کشاورزی شمال ایران می‌شوند مقاله‌ی وزینی منتشر گردید . در شماره‌ی سوم ارگان رزگاری در باره‌ی شیوه‌ی زندگی کول برها و کاروان چی های مناطق باصطلاح مرزی مقاله‌ای نوشته شده بود که در آن بطور شفاف و با آوردن فاکت های دقیق و رسا، زندگی و شیوه‌ی معیشت کمرشکن و سخت و دشوار آنها تحلیل گردیده بود . برای تهیه و نگارش این مقاله آقای عارف نادری پیشقدم شده و چار چوب آنرا تهیه و نوشته و نویسنده (رشاد مصطفی سلطانی) نیز با ایشان همکاری نمودم و خوانندگان معتقد بودند مقاله‌ای وزین و جالب بود. در مجموع چهار شماره از نشریه‌ی رزگاری چاپ و منتشر گردید . عرصه فعالیت و کار آگاه‌گری کانون در سطح بالائی بود که مکان و چتری نیز برای فعالیت های اجتماعی و مبارزاتی دانش آموزان و دانشجویان در سطوح مختلف بود . اساساً دروازه‌ی کانون بر روی همه‌ی آزادیخواهان و انقلابیون گشوده و باز بود . در کانون معلمان مریوان مرزی برای شیفتگان راه آزادی و دمکراسی وجود نداشت و دروازه آن همیشه بر روی انقلابیون باز بود . زمانیکه کاک فواد مصطفی سلطانی بیشتر اوقاتش را در مریوان سپری مینمود ، علاوه بر کانون و جامعه‌ی معلمان ، چند ارگان صنفی و دمکراتیک دیگر از جمله " اتحادیه‌ی کارگران ، شورای شهر مریوان ، انتظامات مریوان ، اتحادیه‌ی دهقانان ، سندیکای کارگران بیکار و اتحادیه‌ی زنان تشکیل شدند . که هرکدام از این ارگان ها خدمات ارزشمندی به روستاها و شهر مریوان عرصه کردند . این ارگان های مردمی و دمکراتیک ، که از طرف شهروندان پشتیبانی میگرددند . و همیشه این ارگان های دمکراتیک بوسیله افراد قیاده موقت که پایگاه و

مقرشان در روستای دزلی بود ، و توسط رهبریشان در کرج هدایت . میگردیدند زیر فشار و تهدید قرار داشتند

امکان ندارد سیمای انقلابی ، محبوب و متواضع معلمین صادق ، جسور و مصمم و انقلابیون دیگر شهر مریوان را از " خانه ی دل " بیرون کرد . اگر کومه‌له به جریانی اجتماعی تبدیل شد و در خاورمیانه مطرح گردید ، بلاشک بخشی از آن مرهون زحمات و فداکاری بیدریغ و صادقانه‌ی معلمان و انقلابیون دیگر در میان تهیدستان کردستان بوده‌است . سخنی باغراق نرفته اگر ادعا شود که ستون فقرات کومه‌له بوسیله‌ی انقلابیون مریوان، نگهداری و حفاظت میگردید . در مریوان انقلابیون بیشماری که اساسا معلم نبودند، اما در همه‌ی سطوح مبارزات شهروندان مریوان و روستاها شرکت داشتند . این انقلابیون نقش های رهبری و کلیدی مبارزات را احراز کرده که با لیاقت و شایستگی خویش کسب کرده بودند . نقش آنها در تاریخ جنبش انقلابی کردستان ثبت است



کانون دانش آموزان و اتحادیه زنان ، که مورد پشتیبانی اتحادیه دهقانان بود ، شهروندان . مریوان را برای تماشای فیلم ، اسلاید و عکس های جنبش صلح طلبانه‌ی کردستان دعوت کرده‌اند

: بخش دوم

کومه‌له در حیات خویش دو ارگان آموزشی را بمنظور رشد و ارتقا **
آگاهی سیاسی و تعلیم و تربیت کودکان و جوانان و شهروندان کردستان

بنیان نهاد . ایندو ارگان در دو فاز مختلف و در دو مقطع سیاسی شکل گرفتند . تنها با همت و فداکاری " پیشمرگان " این دوارگان قادر بودند که سیستم آموزشی را بر اساس علمی پیاده کنند . اولین ارگان در شهر . بوکان و دومین ارگان در مناطق آزاد شده سازمان داده شدند .

جمعیت مستقل معلمان مبارز (بوکان بهار ۵۹)

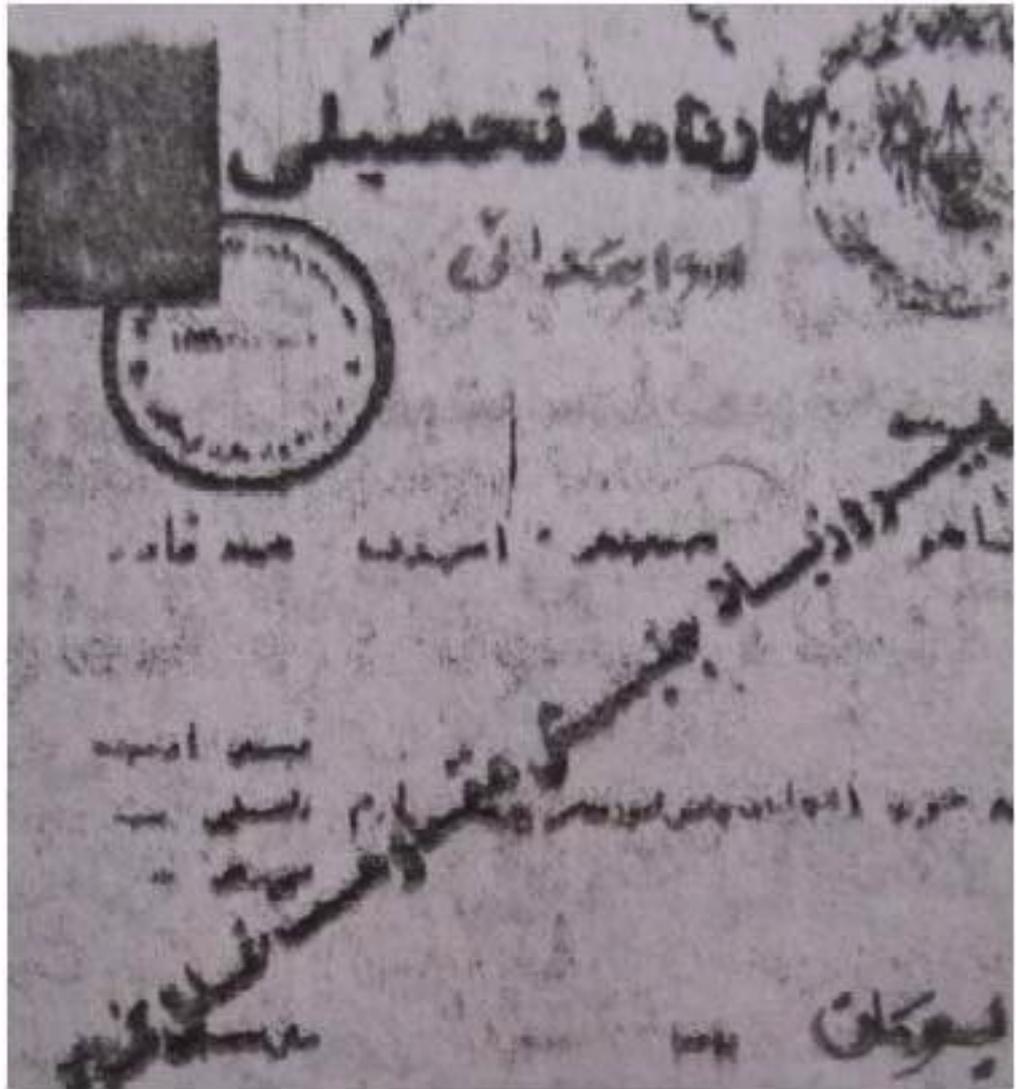
تابستان ۱۳۵۹ فاشیزم اسلامی مدارس کردستان را تعطیل کرد . نیروی پیشمرگ سرانجام تاکتیک هایش را عوض کرد و ، در ارزیابی هایش پذیرفت که بایستی و منطقی است برای جلوگیری از ژنوساید و قتل عام مردم شهرهای کردستان ، بسوی مناطق دیگر و بمیان زحمتکشان روستا روی آورد و با شهرها وداع گوید . بر اساس این تاکتیک و جمع بندی از فاز نبردها و پتانسیل و آمادگی توده های مردم ، باروحیه و آبدیدگی و تجارب کافی ، نیروی علنی و پیشمرگ شهرها را رها ساخت . در این هنگام تنها شهری که بوسیله ی پیشمرگان اداره و حاکمیت میگردید ، بوکان بود . این شهر برآیند و محل تلاقی و پایگاه همه ی نیروهای ازادخواه و مبارز گردید . حاکمیت مردمی برقرار گردید و مردم در نهایت امنیت و آسایش زندگی می کردند . دمکراسی در این شهر لبریز و اعتبار کافی داشت و حتی نیروهای مذهبی که کم و بیش با فاشیزم اسلامی همنوایی و همسوئی داشتند ، میتوانستند اعلامیه ها و نشریات خویش را پخش نمایند و هیچ کسی خاطرشان را آزرده نمی ساخت . حزب دمکرات ، ترجمه ی وارونه ای از پدیده ی دمکراسی داشت و احترامی برای دگر اندیشان قایل نبود و برای حل اختلافات از کانال های پلمیک ، دیالوگ و مذاکره استفاده نمی کرد . و حرمت آزادی و دمکراسی را در حمله به سازمان پیکار و قتل عام چهار کادر برجسته ی آن سازمان ، بنحو بارزی نشان داد . جوانان و پیشروان سایر نقاط ایران که توسط فاشیزم اسلامی تار و مار شده بودند و ماوایی برای کار سیاسی و مبارزاتی نداشتند ، به تنها " سنگر باز مانده از قیام " یعنی سرزمین کردستان پناه آوردند . بوکان شهر احزاب چپ ، ملی و رادیکال شده بود .

مقرهای سیاسی مختلف در گوشه و کنار شهر بوکان دایر شدند و همه زیر چتر دمکراسی چند صباحی ، دور از خشم و غضب نمایندگان قرون وسطی ، برای آرزوهای بر باد رفته‌شان مبارزه میکردند . کومه‌له سیل عظیمی از روشنفکران و تهیدستان پیشرو را زیر چتر خویش سازمان داده بود . این نیرو بصلاح نبود که همگی در بخش آشکار و علنی کار و فعالیت کنند . کومه‌له رسماً توصیه کرد که نباید همه‌ی نیرویش را در بخش نظامی و علنی سازمان دهد . لذا تاسیس ارگانی با پرنسیب‌های دمکراتیک ضرورت کامل و حیاتی داشت . در یکی از مدارس بوکان معلمان در نشست و گردهمائی بزرگی جمع شدند که آقایان مهندس شعیب زکریائی و دکتر جعفر شفیعی در این گردهمائی شرکت نمودند . اولین سخنران جلسه دکتر جعفر بود . از طرف حزب دمکرات آقای دکتر حسین خلیقی همراه دو معلم دیگر در این گردهمائی حضور داشتند . زمانیکه سخنران ها ، دیدگاه ها و گرایشات سیاسی خویش را اظهار بیان داشتند ، جلسه متشنج گردید و بعلت دیالوگ تند و پلمیک مغرضانه و نبود اعتماد بهمدیگر و پدیده سکتاریزم حزبی ، نمایندگان حزب دمکرات جلسه را ترک نمودند . ناگفته نماند که گرایش مسلط و غالب در جلسه در راستای استراتژی کومه‌له و پشتیبانی از سیاست های کومه‌له بود . در همین جلسه بعد از تبادل نظر و گفت و شنود کافی مرحله‌ی انتخابات شروع گردید و افرادی بعنوان کمیته‌ی رهبری انتخاب شدند . طیف وسیعی از معلمان از جمله : رحیم امینی ، فایق دباغی ، سید حسن شمسی ، فاروق نقشی ، مصلح شیخ الاسلامی ، عطا خلقی ، وفا نصرت پور ، محمد امین مجیدیان ، ناصر حسامی ، برهان صادقی و چند نفر دیگر که اسامیشان را متاسفانه بخاطر نمی آورم فعالیتشان را با جمعیت مستقل معلمان مبارز بوکان شروع کردند . در جوار کار روتین و آموزشی جمعیت مستقل معلمان مبارز بوکان افراد دیگری از جمله : محمد امین رشیدی (دیاکو) انور شیرزاد ، حسین به‌فرین از (جنوب کردستان) ، رشاد مصطفی سلطانی ، محمد حسن خالی ، شهین حیدری ، رزگار علی پناه ، رحیم طلوعی فر ، مصطفی حریری ، خاور ، کمال خالدی ، فوزیه نصرت پور ، خالد محمدی ، فرح مصطفی سلطانی ، پرویز شافعی ، طاهر

محمدی ، ابراهیم شیخانی ، شهلا حیدری ، محمد مجیدیان ، عزیز رضائی، حسن رستمی و احمد اسماعیلی به جمعیت مستقل معلمان مبارز بوکان پیوستند . بیش از صدها معلم انقلابی و دلسوز برای خدمت به کودکان و نوجوانان سرزمین کردستان در عرصه آموزش و پرورش زیر چتر جمعیت، خود رایافته و جمع شده و فعال بودند .

آقای رحیم امینی مسئول بخش ابتدائی و رئیس مدرسه‌ی سعدی بود . یکی از مدارس بوکان بنام مدرسه‌ی طروق که به حزب دمکرات سپرده شده بود، بعد از مدتی مدرسه را رها کرده و انرا تحویل جمعیت دادند .

مسئول مدرسه‌ی پسرانه‌ی ادب بعهدہ‌ی آقای محمد امین رشیدی بود ، که در بستر سازمان دادن و تشکیل شورای اولیا کاملاً موفق بودند . مسئولیت نقاشی و تصویر درون کتاب های جمعیت به عهده‌ای آقایان محمد حسن خالی و رزگار علی پناه بود . کتاب هائی برای تدریس که محتوی علمی آنها جالب بود برای تدریس انتخاب شدند . اما هنوز نیاز به بازبینی مجدد داشتند . ماتریال خامی که بعدها متون کتاب های نفیس کومه‌له را بارمغان آورد ، در شهر بوکان نوشته شدند . بیگمان کتاب هائی که تهیه و چاپ شدند ، یکی از دیکومینت های جاویدان کومه‌له و جنبش رادیکال و چپ کردستان بودند



شهر بوکان توسط نیروهای انقلابی کردستان ، حاکمیت و اداره میشد و، برای دانش آموزان گواهی نامه‌ی تحصیلی از طرف کومه‌له صادر میگردید . که شعار پیروزباد جنبش مقاومت خلق کرد ، بر کارنامه و گواهی تحصیلی پدیدار بود

بستر فعالیت های کلتوری و آموزشی جمعیت *

: مستقل معلمان مبارز در بوکان

جمعیت اساسنامه‌ی را تدوین کرد و بر اساس بندهایش جمعیت * - ۱
 قانونی کاملاً دمکراتیک بود و سکتاریزم ، محفل بازی و حزب گرائی در
 بافت فعالیت هایش مکانی نداشت . این اساسنامه در عمل و پراکتیک تا
 چه سطحی پیاده میشد ، قضاوت آنرا به عهده‌ی تاریخ می گذاریم . اما
 برخوردهای ناهنجار ، سکتاریزم ، تمایلات سانسورو چپ روی به
 شیوه‌هایی در کردار و فعالیت روتین افراد عیان و آشکار بود

- ۲- جمعیت مستقل معلمان مبارز در تدارک تهیهی کتاب هائی به زبان * مردم کردستان بود ، که در مدارس مناطق آزاد شده مورد استفاده قرار گیرند . این اقدام بطور جدی در مناطق آزاد شده پیگیری شد . در این رهگذر کتاب های اول، دوم و سوم به زبان کردی آماده و متون خام آنها نوشته شد و در اختیار کومه‌له قرار گرفت
- ۳- جمعیت جزوهای در زمینهی گراماتیک و دستور زبان کردی ، * ، رحیم امینی ، رشاد مصطفی سلطانی و حسین به‌فرین و شمار دیگری از اشخاص توانا تهیه و به‌چاپ رساند . اگرچه بدون اشکال نبود و نارسائی‌هایی داشت اما ، قدم اول بود و راه و کانال این عرصه از زبان کردی را هموار نمود
- ۴- اسامی معلمینی که در دبیرستان های بوکان بکار تدریس و آموزش * جوانان و دانش آموزان مشغول بودند بدین ترتیب بود : رحیم امینی ، احمد عبدی ، عمر مهتدی ، رشاد مصطفی سلطانی ، محمود کرمی ، مصطفی حریری ، محمد مهتدی و شمار دیگری از معلمین دلسوز بود
- ۵- بابتکار جمعیت، آموزش زبان کردی برای معلمینی که زبان مادری * را یاد نگرفته بودند ، در مدرسه‌ی دخترانه‌ی سعدی شروع گردید . آموزش زبان مادری در آن مقطع بصورت دستاورد مهمی ارزیابی گردید
- آقای حسین به‌فرین در این راستا زبان کردی و گراماتیکش را تدریس می نمودند . مشاقتان یادگیری زبان مادری ، کم نبودند و زبان کردی را یاد گرفته و غنا بخشیدند
- ۶- میدان فعالیت آموزشی جمعیت تنها به شهر بوکان محدود نمی گردید ، بلکه شهر های ربط و اشنویه و روستاهای آزاد شده را در بر میگرفت . آقای فاروق نقشی مسئول مناطق اشنویه و ربط و آقای محمد مجیدیان مسئولیت نواحی بانه را بعهدہ گرفتند
- ۷- جمعیت معلمان مبارز بعد از اشغال بوکان ، در روستاهای * قهره‌گوئیز، گولولان و سلامهت کماکان برنامه‌هایش را پیش برد و گسستی در انجام فعالیت هایش پیش نیامد
- با سقوط بوکان و یورش فاشیزم اسلامی به شهرهای کردستان، سازمان ها و احزاب مستقر در بوکان ، به نواحی سردشت نقل مکان کردند و به

مبارزات خویش و جنگ مسلحانه با فاشیسم اسلامی ادامه دادند . شرایط حاکم و اتمسفر و فضای جدید تاریخی ، سازماندهی و آرایش دیگری را می طلبید . لذا کومه‌له در نشست های خود و ارزیابی بر اساس تحلیل کنکرت اوضاع جدید ، ارگان جمعیت مستقل معلمان مبارز ، که مدتی جواب نیازهای جنبش و سیاست هایش را میداد ، در آن شریط دشوار و تاریخی می بایست قالب و فورم دیگری بخود بگیرد . در جواب به آن نیاز تاریخی ، کمیسیون آموزش و پرورش کومه‌له پا بعرضه وجود نهاد

کمیسیون آموزش و پرورش کومه‌له



رینووس

زبان کردی

کمیسیون آموزش و پرورش کومه‌له "رینووس زمان کردی" را در شهر بوکان و در تاریخ ۱۷ ۱۱ ۱۳۶۲ چاپ کرده‌است.

کمیسیون آموزش و پرورش کومه‌له ۱۳۶۶

یکی از ارگان های که کومه‌له برای ارتقا آگاهی سیاسی و طبقاتی شهروندان مناطق کرد نشین و خصوصاً مناطق آزاد شده ، سازمان داد کمیسیون آموزش و پرورش بود . در بهار سال ۱۳۶۱ با دخالت و شرکت دکتر جعفر شفیعی و دکتر داریوش نویدی از تشکیلات کومه‌له و رحیم امینی و فایق دباغی از جمعیت مستقل معلمان مبارز ،نشستی در زمینه‌ی آموزش و پرورش انجام گرفت . بعد از این گردهمائی و نشست، ارگان کمیسیون در روستای گولولان متولد شد و در زمینه‌ی یاری به آموزش و پرورش مناطق آزاد شده شروع بفعالیت نمود . افرادی در روستای گولولان (منطقه‌ی سقز) در ارگان کمیسیون با متد و دیدگاه‌های و سبک کار نوین شروع به باز بینی ، اصلاح و هموار کردن کتاب ها و تدوین کتاب های جدید آموزشی کردند . اسامی آنها عبارتند از : محمد مصری ، فاروق نقشی ، ناصر حسامی ، رشاد مصطفی سلطانی ، شهلا دانش فر (در زمینه‌ی کتاب های فارسی) رحیم طلوعی فر ، نادر قاضی زاده (آزاد) ، عطا خلقی ، شهلا ایل بیگی اصلی ، مصلح شیخ الاسلامی و افراد دیگری نیز بودند . در این ارگان بازبینی و هموار نمودن و تدوین کتاب های نو شروع گردید . و زحمات تک تک این عزیزان شایان قدردانی است .

کمیسیون سمت و سوئی رادیکال و سیکولار داشت و اعضا کمیسیون از آن پیروی میکردند . لذا کمیسیون با تفکرات دینی و افکار مه آلود دهقانی (موزیکی - کلمه‌ای روسی میباشد) مرز بندی قاطع و آشکاری داشت . اما در بستر چنین فضا و مقطع تاریخی ، گاه گذاری تمایلات و تفکرات دگم و متحجر ، خود را نشان میداد . گوئی جویبار های کوچک در کوهستان و دشت ها، می بایست راه سخت و پرا عوجاجی را طی نمایند تا بدریا برسند . که اکثریت مطلق اعضا با مخالفت‌های شدید و گاه چپ روانه و ناهنجار ، به مرز روانکاوی رسیده و چنگ در مغز کسیکه مواضع بینابینی و متزلزل داشت می انداختند . و با طنز و ناخشنودی، پیشنهاد دهنده را مورد انتقاد قرار میداند . میتوان گفت چپ روی ها ، مخالفت های غیره اصولی و سماجت ها هرگز سازنده و خلاق نبودند و با تمام

تفصیل روند کار روتین و پیاده کردن تراوشات فکری سالم و سیکولار ،
برتری مطلق داشت . و توقفی در حرکت بسوی تدوین کتاب های علمی و
.غنی پیش نمی آورد



دورهی آموزشی پیشمرگان داوطلب ، تا در مناطق آزاد شده بزبان کردی کودکان و نوجوانان را در
روستاها آموزش دهند ، ردیف ایستاده از سمت راست نفر چهارم (رشاد مصطفی سلطانی) مسئول
. . . دوره در روستای سیسیر سردشت میباشد. تعداد شرکت کنندگان ۲۶ نفر بودند

! دوره های آموزشی برای کادرها

در مجموع کمیسیون سه دورهی آموزشی را برای تربیت کادرها
معلمین کومه‌له ترتیب داد و در آن دوره‌ها معلمین با متد و شیوه‌های
جدید آموزشی آشنا میشدند و ،پس از بررسی ارزیابی های لازم و موفقیت
در دورهی آموزشی به مناطق آزاد شده اعزام میشدند و بکار تدریس
کودکان و نوجوانان روستا مشغول میشدند . دوره‌ها در روستا های آجی
که‌ند (بوکان) هاچی دهره (مهاباد) و سیسیر (سردشت) برگزار شدند .
مسئولیت این دوره‌ها بعهدهی رشاد مصطفی سلطانی و ناصر حسامی بود
.حملات فاشیزم اسلامی به مناطق تحت کنترل پیشمرگان ، و ازدست دادن
مناطق آزاد بر فعالیت های کمیسیون تاثیر مستقیم میگذاشت و میدان
مانور و فعالیتش را محدود میکرد و ناچار به کوچ های ناخواسته

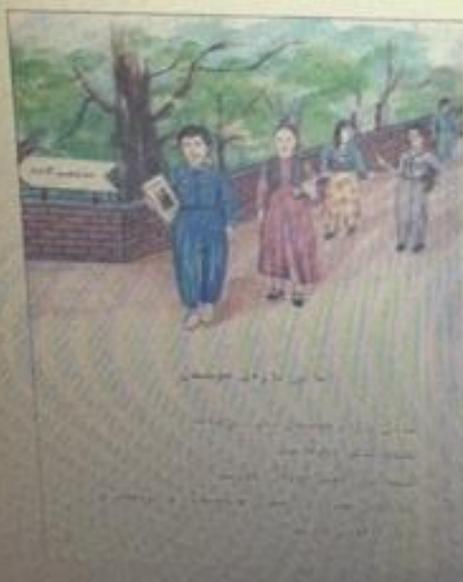
میگردید. سرانجام کمیسیون از روستای گولولان به روستاهای گه‌نمان ، سیسیر و بیژوی کوچ کرد . سپس از مرزهای تصنعی و ساختگی در سرزمین کردستان عبور کرد و به اردوگاه های گه‌لاله، شین کاوی و مالومه در نزدیکی های شهر ماوهت و در جنوب کردستان نقل مکان کرد . شاید بتوان ادعا داشت تلاشها و پیکارهای خستگی ناپذیر کمیسیون در مقاطع مختلف سرانجام در اردوگاه مالومه واقع در جنوب کردستان به ثمر و نتیجه رسید . و کمیسیون آموزش و پرورش کومه‌له ، که زمانی جمعیت مستقل معلمان مبارز نام داشت ، بذری را که کاشته بود ، خرمنش را در اردوگاه مالومه برداشت . و کتاب ها در مقیاس وسیعی و بشیوه‌ای رنگی در کشور المان و باهمت یکی از فعالین کومه‌له چاپ و منتشر گردید . یکی از سندها و دیکومینت های جاویدان ، در تاریخ جنبش انقلابی کردستان ، همین کتاب های نفیس و پر ارزش است . تلاش های کمیسیون قدمی بظاهر کوچک بود ، اما حقیقتاً در بعد سیاسی و اجتماعی انعکاس وسیعی داشت . این سنگر و کانال را کومه‌له بی محابا گشود و فتح نمود ، و نتایج مطلوب و ارزنده‌ای داشت . اکنون این کتاب ها علیرغم کاستی ها و نارسائی ها و اشکالات فنی ، هنوز در اروپا ، کانادا ، استرالیا و آلمان و بطور رسمی در کشور سوید، مورد استفاده‌ی معلمین زبان مادری قرار میگیرند . کتاب شماره یک " ئه‌لف و بی " و کتاب های شماره دوم و سوم بنام "خویندنه‌وه‌ی کوردی " در دو جلد مجزا و هر سه ۳ بزبان کردی و دو کتاب برای بزرگسالان بزبان فارسی محصول کارها و تلاش های خستگی ناپذیر معلمانی بود که در زیر چتر کومه‌له ، در ارگان کمیسیون سازمان یافته بودند . کمیسیون همچنان به حیات خویش ادامه داد ، که در جوار آرایش های جدید و نیاز به تقویت ارگان های پروپاگنده و تبلیغی از جمله نشریات تیئوریک و رادیو، در ارگان گروه

ترجمه اسیمیله و دگرگون شد



ارگان گروه ترجمه‌ی کۆمه‌له ، که انتشار پیشرو و ترجمه‌ی برنامه‌های رادیو کۆمه‌له را بعهده داشت . نشسته از راست زنده یاد رحیم طلوعی فر(فرزندش فوآد در آغوش جا گرفته است) ،ماموستا جمال از باشور کردستان ، ناصر حسامی مسئول گروه ترجمه . ایستاده از سمت راست فاروق نقشی ، رشاد مصطفی سلطانی ، ماموستاهیاوا از باشور کردستان . مکان جنوب کردستان ، در نزدیک شهر ماوهت ، اردوگاه مالومه ، سال ۱۳۶۳

کتیبه‌کافی کومیسسیونی فیڤرگردن و بارهینانی کۆمهله

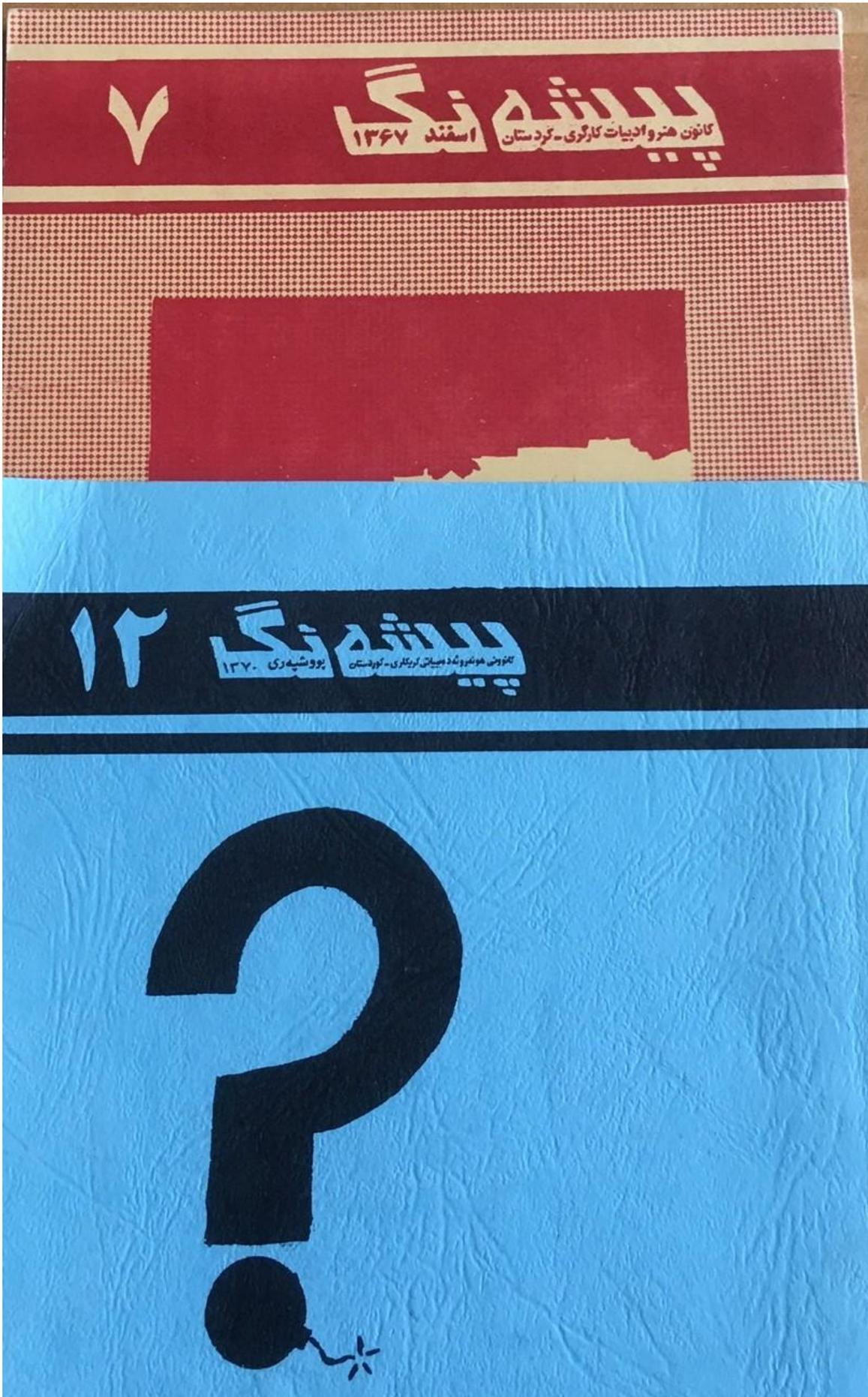


. پاره‌ای از نشریات و کتاب‌های کۆمه‌له ، که در کشور آلمان چاپ گردیدند

! کمیته و ارگان ترجمه

این ارگان در اردوگاه مالومه در جنوب کردستان ، شکل و قواره‌ی سیاسی پدید آمد . پیشرو را به زبان کردی آماده و منتشر میکرد و ، مطالب گوناگون را برای رادیوها و نشریات تیئوریک آماده و ترجمه می نمود . استقبال آزادیخواهان و انقلابیون در جنوب کردستان از پیشرو سرسام آور بود . پیشرو از چنان وزن و اعتبار سیاسی برخوردار بود ، که خوانندگان بیشماری در جنوب کردستان داشت و به خانه‌هایشان راه یافته بود . حزب بعث عراق هنگام دستگیری انقلابیون کردستان ، پیشرو کردی را بعنوان جرم سنگینی برایشان در نظر میگرفت . و حزب بعث در نشست هاو دیدارهایش با کومه‌له ، پیشرو کردی را بعنوان اهرم فشار بر علیه خود کومه‌له انتخاب میکرد و بخدمت میگرفت . پیشرو کردی باسانی همراه انقلابیون سر از زندان های مخوف سلیمانی ، هه‌ولیر، کرکوک ، خانقین و هه‌له‌بجه در میاورد . حضور انقلابیون بیشماری از بخش های مختلف کردستان ، در تشکیلات کومه‌له که جان بر کف و با خلوص نیت برای رهائی بشریت و بر علیه ارتجاع خاورمیانه و تشکل های عشائری وبمنظور استقرار دموکراسی و ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک مبارزه میکردند چشم گیر بود . تعداد بیشماری از آنها در صفوف کومه‌له جان باختند و ، بیگمان در تاریخ و افتخارات کومه‌له سهم شایسته‌ای بانها تعلق دارد . در این راستا دو انقلابی از شهر سلیمانی با نام های مستعار کاک جمال و کاک هیوا در ارگان ترجمه سازماندهی شدند . که خدمات صادقانه و ارزنده‌ی بگروه ترجمه عرصه کردند . در مالومه زنده یاد آقای محمود سجادی قاضی دادگستری، در گروه ترجمه سازماندهی گردید و بدین وسیله این ارگان تقویت گردید . تراوشات فکری کاک محمود و تسلط ایشان به گراماتیک زبان های فارسی ، کردی و عربی در زمینه‌های نگارش نمایشنامه‌ها، سرودن اشعار موزون و انقلابی و نثر های لطیف اجتماعی با محتوای ساتیر و طنز اختصاص داشت . فرهنگ لغتی را تهیه و آماده نمود که امیدوارم روزی شاهدچاپ این قاموس وزین ، غنی و کامل ، که یادگار جاودانه‌ی زنده یاد کاک محمود سجادی است باشیم . گروه ترجمه بعنوان ارگانی کارا و متشکل از : محمود سجادی ، رحیم طلوعی فر ، جمال ، هیوا، آزاد قاضی زاده ، ناصر حسامی ، رشاد مصطفی سلطانی

وفاروق نقشی تحت نظارت مستقم دڪٽر جعفر شفيعی و سرپرستی آقای ناصر حسامی سازمان یافت و، بطور خستگی ناپذیر به ارگان های تبلیغی یعنی رادیوها، نشریات تیئوریک و ترجمه‌ی متون مختلف خدمت و سرویس میداد.



پیشه‌نگ:

نشریه‌ای بود که کومه‌له تحت عنوان " کانون هنر و ادبیات کارگری - کردستان " آماده و پخش میکرد. در شماره‌های پیشه‌نگ عکس‌های تاریخی، انتقاد و بررسی، نمایشنامه و داستان، اشعار کارگری، کاریکاتور، طنز، جواب به نامه‌های خوانندگان و مسایل اجتماعی و سیاسی بحث و مطرح میگردید. دکتر جعفر شفیع‌ی این نشریه را بشیوه‌هائی همکاری می نمود. هیئت دبیران نشریه آقایان: فریدون ناظری، ناصر حسامی، احمد بازگرو محمد مصری بودند. اعضا جانشین آقایان: سعید ویسی، خالد رحیمی، وریا آره‌نان، رزگار علی پناه، و خانم ویدا رضائی بودند. انقلابیونی چون: مصلح شیخ الاسلامی، ناصر حسامی (ن - ئه یار)، محمد مصری، رحیم طلوعی فر، محمود سجادی (محمود - خارا)، فریدون ناظری، ناصح مردوخ، فاتح شیخ (ف - پشکو) سیاوش مدرسی (یاور) و حسین شهبه‌ق و افراد دیگری در پیشه‌نگ قلم فرسائی کرده و مطالب متنوعی با سمت و سوی کارگری می نوشتید.

! مریوان کانون مبارزات مدرن ومدنی

اوج مبارزات مدنی و گسترده در مقطعی از تاریخ جنبش انقلابی کردستان، در مریوان نمایندگی گردید. درحقیقت نقش روشنفکران متعهد و کادرهای لایق مریوان، درپیدایش زمینه‌ها و بستر مبارزات مدنی، تجربه‌ای ارزشمند اجتماعی و سیاسی بود. زمینه‌ی این شیوه از مبارزات در میان توده‌های رنجبر، مهیا گشت و در تابستان ۵۸ به اوج عظمت خویش رسید. انقلابیون کردستان با مبارزات مدنی بعنوان ابزار و تاکتیکی همه پسند، با سرکوب خونین در قالب استراتژی ارتجاع اسلامی، در پیچ‌های سخت و دشوار جنبش رادیکال و صلح طلبانه‌ی کردستان، در نبردی مردمی و توده‌ای، صف آرائی کردند. جنبش انقلابی خردمندانه

رهبری گردید، لذا توانست جنبش را در دام های آشکار و مخفی جمهوری اسلامی اسیر نسازد و همزمان برهاند . جنبش مدنی در پروسه‌ی نبرد، سربلند و با اراده‌ای آهنین و مصمم جریانی بالنده بود و، برای مدتی " محدود" و کارساز، سپری محکم در برابر خونریزی و کشتار مردم بیدفاع بود.

پایان

Reshad Mustafa - Soltani

رشاد - مصطفی سلطانی
سوید . ژانویه ۲۰۲۲ میلادی (دیماه ۱۴۰۰ خورشیدی)

